



قال رسول الله ﷺ:

﴿إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا فَلْيُتَّقِنْ﴾

الكافي، ج ۳، ص ۲۶۳

امام خامنه‌ای مدظله العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی،
وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

هنر؛ ارزش هنر

شناسنامه مطلب	
مطلب	m-h-35
رده	هنر و رسانه / اصول و مبانی هنر / هنر از نگاه امام خامنه‌ای
برچسب	هنر، هنرمند، ارزش ذاتی هنر، ارزش ابزاری هنر
توضیحات	

پایگاه ترکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی **نُمو**

nomov.ir

ارزش ذاتی و ارزش ابزاری

ارزش هنر را همه کس نمی‌فهمند؛ هنر همین ویژگی را دارد. هنر برای خیلی‌ها ناآشناست. شما اگر الآن بهترین و فاخرترین نقاشی‌ها را به بازار بیاورید - بازار غیر هنر - مردم معمولی می‌آیند و تماشا می‌کنند: عجب رنگ قشنگی دارد! چند؟ اگر مثلاً بگویند ده هزار تومان، می‌گویند نه آقا، پنج هزار تومان؛ نمی‌فهمد که این چیست! این هنر هم همین‌گونه است.^۱

ارزش ذاتی هنر

نخبگان این فرهنگ را بیش از دیگران می‌توانند در میان جامعه گسترش بدهند. این که یک انسانی با معارف فلسفی یا معارف عرفانی یا با دانشی از دانش‌های گوناگون بشر آشناست، یا دارای ذوق هنری است، این را یک ارزش بدانند؛ ولو کسی نداند؛ ولو تبدیل به پول نشود؛ ولو در بازار تنگ‌نظری‌ها مشتری درست و حسابی هم نداشته باشد. این فرهنگ، فرهنگ خیلی خوبی است؛ این چیزی است که می‌تواند جریان دانش و تحقیق و هنر را در کشور توسعه بدهد؛ و ما به این نیاز داریم. این جور نباشد که ما تصور کنیم اگر به هنر یا به دانش می‌پردازیم، برای این است که یک مابازای مادی دارد، که اگر اینجا به دست بیاوریم، برویم جای دیگر. البته طبیعت انسان‌ها بعضاً کشش به این سمت دارد؛ اما فرهنگ دینی و اسلامی این نیست.^۲

در دنیا، نگاه مادی به سرمایه‌ها و ثروت معنوی موجب شده است که ثروت‌های معنوی را با محاسبه‌ی امکان تبادل به پول بسنجند؛ این دانش چقدر می‌تواند تبدیل به پول بشود؛ این هنر چقدر می‌تواند تبدیل به پول بشود؛ اما در اسلام این معیار وجود ندارد. نه این که از تبدیل علم و هنر و سایر سرمایه‌های معنوی به پول، ابایی وجود داشته باشد؛ نه، علم و سیله‌ی رفاه زندگی است؛ هنر و سیله‌ی رونق و بهای زندگی است؛ اشکالی ندارد؛ اما با قطع نظر از این نگاه، خود این ثروت معنوی هم یک ارزش والایی از نظر اسلام دارد. یعنی این هنرمند، حتی اگر هنر او را کسی نشناسد و از هنر او هیچ کس بهره نبرد، نفس دارا بودن

۱. بیانات در دیدار جمعی از هنرمندان ۱۳۷۰/۰۸/۲۹

۲. بیانات در دیدار جمعی از نخبگان استان کرمان ۱۳۸۴/۰۲/۱۴

این هنر با نگاه اسلامی و نگاه معنوی، خود یک ارزش است. این عالم ولو مورد انکار قرار بگیرد و علم او را کسی نشناسد، نفس دارا بودن این علم، یک ارزش است. درست است که علم، مقدمه‌ی عمل است؛ درست است که دانایی و سیله‌ی توانایی است؛ اما این توانایی، این عمل، لزوماً همیشه آن چیزی نیست که قابل تبدیل به ثروت مادی باشد؛ باید ما این نگاه را تقویت کنیم. ممکن است در یک جامعه‌ای به خاطر فقر امکانات یا کمبود تجربه، نتوان مابازای مادی را در مقابل دانش یا تحقیق یا هنر یا این گونه سرمایه‌های معنوی ارائه کرد. در جامعه‌ی ما هم حتماً این گونه است و در بسیاری از نقاط دنیا این گونه است. این نباید موجب بشود که جوشش چشمه‌های علم و هنر متوقف بشود.

من وقتی به تاریخ علم و ادب نگاه می‌کنم، می‌بینم اتفاقاً بخشی از مهم‌ترین پیشرفت‌های علمی بشر و همچنین پیشرفت‌های هنری بشر، آن چیزهایی است که مابازای مادی که نداشته، هیچ؛ گاه مورد تحقیر و انکار هم قرار گرفته؛ انگیزه‌ی آنها شوق، عشق و انگیزش معنوی بوده است؛ این را نبایستی انکار کرد؛ نبایست جلوی این را گرفت. همه‌جا دانش و تحقیق و هنر با پول مبادله نمی‌شود؛ با پول سنجیده نمی‌شود.^۱

هنر به عنوان ابزار

استخدام هنر برای انتقال مفاهیم والا و باارزش که تا اعماق جان مخاطب نفوذ کند. این یک وسیله است، این یک ابزار بسیار باارزش است. ابزار است، اما آن قدر این ابزار وزن پیدا می‌کند که گاهی به قدر خود محتوا اهمیت پیدا می‌کند؛ چون اگر نباشد، محتوا قابل انتقال به دل‌ها نیست.

هنر، تا آن نهایی‌ترین لایه‌های ذهن انسان نفوذ می‌کند و ماندگار و سازنده است. هرچه می‌توانید از هنر خوب، هنر فاخر - نه آبکی و پیش‌پاافتاده - استفاده کنید.^۲ حالا اگر ما بیاییم در همین روال زندگی؛ در عالم شعر، ادبیات، موسیقی، نقاشی، گرافیک، داستان‌نویسی و هنر و ادبیات، کاری پیدا کنیم که هم دل غمگین ما را شاد کند، هم احساس انجام وظیفه به ما بدهد، هم در سرنوشت کشور و ملت و ادب و

۱. همان

۲. بیانات در دیدار مسئولان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۱۳۷۷/۲/۲۳

تاریخمان اثر بگذارد، هم یک عده گمراه بیچاره را نجات بدهد و هم رضای الهی را کسب کند، چه چیزی را با این می‌توانید برابر کنید؟ چیزی را دارید که با این مقابله کند؟ این، والاترین است. این، بهترین است. چیزی است که اگر کسی به آن دست پیدا کرد، باید هر لحظه هزاران بار خدای متعال را شکر بگزارد؛ و البته نخواهد توانست؛ زیرا زبان از شکرگزاری قاصر است. آن انسانی که توانسته کاری پیدا کند که هم می‌بیند در مقابل چشم خودش گمراهانی، لغزندگانی، بی‌دست‌وپاها و سرگشتگانی به‌وسیله‌ی کار او هدایت می‌شوند و راه پیدا می‌کنند و می‌توانند به سعادت برسند؛ هم این کار مورد علاقه‌ی اوست و بر او تحمیل نیست - چون آدم هنری و انسان اهل ذوق و هنر و ادب، باید آن کاری که می‌خواهد انجام دهد از درون خودش بجوشد - و هم کرام‌الکاتبین و کروییان ملأ اعلی و شهدایی که خدای متعال ناظر بر اعمال ریزودرشت ما گذاشته - «و انت الرقیب علی من ورائهم (۱)» - از این کار را ضی و خشنودند و صد احسنت و مرحبا می‌گویند که آقا، شما یک سطر این قصه را نوشتید؛ یا پنج دقیقه از این فیلم را ساختید؛ یا دو بیت از این شعر را گفتید؛ یا فلان خط را در فلان جا نوشتید و فلان نقاشی را کشیدید؛ یعنی خدای متعال هم تفاخر می‌کند به این فرزند خاک، که با افلاکیان در مجاهدتش برابری می‌کند؛ این اگر نصیب کسی شده باشد، چیز کمی است؟ البته چنین اخلاص و چنین توجهی، به این آسانی نصیب همه نمی‌شود. اما اگر نصیب کسی شد، باید آن را روی چشم بگذارد و از همه‌ی تنخواه‌های عالم، ارزشمندترش بداند.^۱

امیدوارم که ارزش هنر در همان جایگاه حقیقی خودش، اول مورد توجه اهل هنر قرار گیرد و آنها به ارزش محموله باارزشی که در وجودشان است، توجه کنند و آن را احترام نمایند. احترام کردنش هم به این است که آن را در جای شایسته‌ای خرج کنند. امام سجاد (علیه‌السلام) در حدیثی می‌فرماید: جان و وجود انسانی تو ارزشمندترین چیزهاست؛ هیچ چیزی جز بهشت موعود خدا نمی‌تواند بهای این جان قرار گیرد؛ این را به غیر بهشت خدا ندهید. هنر، بخشی از آن فاخرترین و ارزشمندترین قسمت‌های جان انسانی است؛ باید برای این ارزش قائل شد و آن را برای خدا خرج کرد.^۲

۱. بیانات در دیدار با اعضای حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی ۱۳۷۱/۱۱/۴

۲. بیانات در دیدار جمعی از اصحاب فرهنگ و هنر ۱۳۸۰/۵/۱